اخبار فرهنگی

آیین بزرگداشت استاد فرشچیان در تالار وحدت برگزار می‌شود

آیین بزرگداشت استاد محمود فرشچیان ساعت ۱۷ روز دوشنبه، سوم شهریور ماه، با حضور اصحاب فرهنگ، هنر و رسانه و مقامات لشکری و کشوری در تالار وحدت برگزار می‌شود. به گزارش روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، این آیین با هدف ادای دین به جایگاه هنری این هنرمند بزرگ کشورمان صورت می‌گیرد. محمود فرشچیان، یکی از برجسته‌ترین نگارگران و نقاشان معاصر ایران، با خلق آثاری که تلفیقی از سنت‌های هنری ایرانی و نوآوری‌های مدرن است، نامی ماندگار در تاریخ هنر جهان به جای گذاشت. وی بنیان‌گذار سبک نوینی در مینیاتور ایرانی بود و آثارش اغلب از عرفان، مذهب شیعی، ادبیات پارسی و تخیل خلاقانه الهام گرفته شده‌اند. محمود فرشچیان در ۱۸ مرداد ۱۴۰۴ (۸ اوت ۲۰۲۵) در ۹۵ سالگی در نیوجرسی آمریکا درگذشت. پیکر محمود فرشچیان روز دوشنبه - ۲۷ مرداد - در میان جمعی از اصحاب فرهنگ، هنر و رسانه و مسئولان لشکری و کشوری و مردم در اصفهان تشییع و به خاک سپرده شد.

«چابک‌سوار» ایرانی به نیمه‌نهایی جشنواره کره جنوبی راه یافت

فیلم کوتاه «چابک‌سوار» از تولیدات سازمان صداوسیما، با پشتیبانی اداره کل تأمین و رسانه بین‌الملل، به مرحله نیمه‌نهایی جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کوتاه هانیانگ (HISA2025) در کره جنوبی راه پیدا کرد. به گزارش ایلنا به نقل از روابط عمومی و رسانه‌های نوین معاونت سیما؛ فیلم کوتاه «چابک‌سوار» به کارگردانی هادی شریعتی، از تولیدات سازمان صداوسیما، با تلاش اداره کل تأمین و رسانه بین‌الملل، موفق به راهیابی به مرحله نیمه‌نهایی جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کوتاه هانیانگ (Hanyang International Shorts Awards – HISA2025) در کره جنوبی شد. این اثر روایتگر زندگی نوجوان ترکمنی به نام «جمیل» است که دور از خانواده، به اسب‌های دایی‌اش رسیدگی می‌کند و رؤیای تبدیل شدن به یک سوارکار حرفه‌ای در مسابقات اسب‌دوانی را در سر دارد. جشنواره HISA که توسط دانشگاه معتبر هانیانگ در شهر سئول برگزار می‌شود، با هدف شناسایی و حمایت از فیلم‌های کوتاه مستقل و خلاقانه، هر ساله آثار برگزیده‌ای از سراسر جهان را به رقابت می‌گذارد. دوره ۲۰۲۵ این جشنواره در تاریخ ۸ شهریور (۳۰ اوت) برگزار خواهد شد. جوایز این رویداد شامل بهترین فیلم کوتاه در بخش‌های داستانی، مستند، تجربی و نیز جوایز ویژه در ژانرهای مختلف است. این موفقیت، نشان‌دهنده ارتقای کیفی تولیدات سازمان صداوسیما در عرصه بین‌المللی و جایگاه روزافزون آن در جشنواره‌های معتبر جهانی است. اداره کل تأمین و رسانه بین‌الملل، مسئولیت توزیع بین‌المللی این اثر را بر عهده دارد.

مرمت قدیمی‌ترین مسجد شمال غرب ایران با اعتبار ۳۰ میلیارد تومان کلید خورد

معاون میراث فرهنگی استان اردبیل از تحقق آرزوی دیرینه اداره میراث‌فرهنگی استان اردبیل برای مرمت مسجد جمعه اردبیل خبر داد. او گفت: مرمت مسجد جمعه اردبیل پس از سال‌ها انتظار تحقق یافته و این مسجد ارزشمند تاریخی با اعتبار ۳۰ میلیارد تومان در دستان مرمت‌گران قرار گرفت. این مسجد تاریخی آخرین بار در دوره ایلخانی مورد مرمت قرار گرفته بود. به گزارش خبرنگار ایلنا، جمعه مسجد اردبیل یکی از قدیمی‌ترین بناهای تاریخی استان اردبیل محسوب می‌شود. بنایی که به گفته کارشناسان میراث‌فرهنگی به‌دلیل داشتن لایه‌های مختلف تاریخی و برگرفتگی از معماری و هنر دوران سلجوقی، ایلخانی و صفوی از مهمترین بناهای تاریخی شمال غرب ایران محسوب می‌شود. حال با گذشت چندین قرن از مرمت و بازسازی آن معاون میراث‌فرهنگی اردبیل لزوم مرمت این بنای ارزشمند تاریخی را مورد تاکید قرار می‌دهد. به گفته «علیرضا دباغ عبدالهی» یکی از بهترین مرمت‌هایی که در سالهای متمادی آرزوی آن را داشتیم، مسجد جمعه اردبیل بود که هم‌اکنون مرمت آن با تلاش اداره میراث‌فرهنگی استان اردبیل آغاز شده است. او افزود: سال گذشته با تشکیل پایگاه مسجد جمعه اردبیل، این مسجد در فهرست پایگاه‌های ملی کشور اضافه شد و امسال با عقد قراردادی با مبلغ ۳۰ میلیارد تومان فعالیت‌های مرمتی این بنای تاریخی بسیار ارزشمند را آغاز کردیم. آنطور که دباغ عبدالهی می‌گوید: این قرارداد ۳۰ میلیارد تومانی، جدا از محوطه‌سازی است و برای احیای ایوان خانه این مسجد که یک کار خیلی ناب است، اختصاص یافته است.

بحران آب در ایران به روایت رحیم نوروزی
فیلمبرداری مستند «ژرفاب» به پایان رسید

فیلمبرداری مستند «ژرفاب» که در قالب مجموعه‌ای از «روایت پیشرفت» تولید شده است و به بحران آب در ایران می‌پردازد، با روایت رحیم نوروزی به پایان رسید. به گزارش روابط عمومی برنامه، مستند «ژرفاب» به کارگردانی محمد زارع با محوریت بحران آب در ایران، پس از پایان مراحل فیلمبرداری، وارد مرحله تدوین شد. مراحل فیلمبرداری مستند «ژرفاب» به کارگردانی محمد زارع و با روایت رحیم نوروزی به پایان رسید. این مستند با محوریت موضوع آب، به بررسی لایه‌های پنهان و کمتر دیده‌شده وضعیت آب در ایران می‌پردازد و پرده از برخی آسیب‌ها و حقایق مرتبط با این عنصر حیاتی برمی‌دارد. تهیه‌کنندگی «ژرفاب» را علی‌اکبر شفیعی بر عهده دارد و این اثر به سفارش مؤسسه روایت فتح و در قالب مجموعه «روایت پیشرفت» تولید شده است.

درباره نمایش «الاویاتان» به نویسندگی و کارگردانی محمد میرعلی اکبری

شهر در تسخیر نیروهای اهریمن

محمدحسن خدایی

آخرین اجرای صحنه‌ای کارگردان پرکار تئاتر ایران، محمد میرعلی اکبری به مسئله «شر» در یک شهر خالی از مهر و عطوفت می‌پردازد. توگویی وضعیت آدم‌ها چنان در چنبره نیروهای منتسب به پلیدی قرار گرفته که هیچ راه گریزی ممکن نیست و همه چیز بر مدار نیهلیسمی بدون مازاد می‌چرخد که می‌بایست از طریق مداخله بعضی افراد برگزیده متوقف شود. نوعی فرآیند «پاکسازی» و تمنای بهبود روزگاری این چنین گرفتار گناه و پلشتی.

در این جهان آخرالزمانی، یک موجود مرموز در راس نیروهای شر قرار دارد و به واسطه چشم‌های پرندگان بر همه چیز و همه کس نظارت می‌کند. از این منظر می‌توان ایدئولوژی نمایشنامه را مبتنی بر قدرتی اهریمنی دانست که همه چیز را به اسارات خویش درآورده و کسی را یارای مقاومت در مقابلش نیست.

بنابراین روایت جنایی و پلیسی میرعلی اکبری هر چه به پیش می‌رود از واقع‌گرایی ابتدایی فاصله گرفته و بیش از پیش وجه متافیزیکی می‌یابد. شخصیت‌ها نام مشخصی ندارند و کمابیش با عناوینی که تیپ‌های اجتماعی را به ذهن متبادر می‌کند شناخته می‌شوند. این دیستوپیای تحمل‌ناپذیر ماحصل افول اخلاقیات در جامعه‌ای مادی‌گرا است.

به هر حال این متن در خرداد ماه ۱۳۸۷ نوشته شده و نویسنده ترجیح داده در میانه سیاست‌های فرهنگی کنترل‌گر دولت احمدی‌نژاد به انتزاعیات پناه برد و امر انضمامی را تا حد امکان کنار بگذارد. شاید حق با نمایشنامه‌نویس بوده باشد که در آن دوران تصلب سیاسی، بهترین کار انتخاب یک فضای سیاسی ایران سربرآوردند و بی‌تاریخی و بی‌مسئله‌گی را طلبیدند. همان پوپولیسم فراگیری که سرمست از دلارهای نفتی، مدام به عرصه‌های پیدا و پنهان زندگی روزمره سرک می‌کشید تا با تسخیر فضاهایش، انسان مورد نظر خویش را از نو بسازد و به اجتماع معرفی کند.

پس با این توضیحات کوتاه، جای تعجب نخواهد بود که در نمایش الاویاتان، رویکرد رئالیستی ابتدای نمایشنامه کنار گذاشته شده و وضعیت نمادین انتهایی الویت یابد. نمایش هر چه به پیش می‌رود هجوم هراس و صد البته تفوق یافتن نیروهای متکی بر ابهام و اقتدار، پررنگ‌تر می‌شود.

وهمی و بازنمایی یک جهان انتزاعی است که چندان به تاریخیت تن ندهد و پر از ایهام و نشانه و استعاره به نظر آید.

از یاد نبریم که آن سال‌ها چگونه «تئاتر اجتماعی» به محاق رفت و دولت احمدی‌نژاد به نمایش‌های بی‌تاریخ و بی‌مسئله‌ای میدان داد که معلوم نبود نسبت‌شان با اینجا و اکنون ما ایرانیان چیست. نمایش الاویاتان را می‌توان واکنشی به فضای سنگین آن دوره دانست و دغدغه‌مندی‌اش را ذیل فراگیر شدن نیروهای برآشوبنده‌ای فهم کرد که به آرامی در سپهر امانکته مهم ماجرا شکل‌یابی نیروی مقاومت است که در فیگور کسی چون پسر جوان پدیدار می‌شود تا نظم اخلاقی به دولت‌شهر بازگردد. او به قلب تاریکی می‌رود تا با هیولا روبرو شود. شاید این‌گونه شهر و مردمانش نجات یابند و فضای پادآرمان‌شهری الاویاتان نشانی از آسایش و مهربانی داشته باشد.

به لحاظ شخصیت‌پردازی، ترکیب کاراکترها جالب توجه است: یک بازرس در آستانه بازنشستگی که می‌خواهد قاتلی را بیابد که کودکان را می‌کشد. بازرس در این مسیر ناکام می‌ماند و شوربختانه متوجه می‌شود همسرش خیانتکار است. در مقابل پسری جوان که عاشق دختری بی‌وفا شده و موجب نابودی‌اش می‌شود.

پسر که گویا موجودی برگزیده است بیش از هر چیز از عمویش ضربه خورده و این روزها در پی مقابله با نیروهای شر است. یا آن مرد پرنده‌فروش که پرنده‌هایی عجیب و زشت را به مشتریانش می‌فروشد و در این چرخه پاکسازی از میان برداشته می‌شود. از این منظر با مجموعه‌ای از آدم‌های نه چندان متعارف روبرو هستیم که گرفتار وضعیت‌های نابسامان شده‌اند.

یکی از نکات مثبت میرعلی اکبری در عرصه نمایشنامه‌نویسی بی‌شک خلق شخصیت‌های به یادماندنی است. اما شاید این توانایی آن زمان به نهایت منطقی‌اش برسد که در یک وضعیت‌مندی دراماتیک بکار گرفته شود. فی‌المثل آدم‌های عجیب و غریب نمایش الاویاتان در یک بستر نمادین، به مانند یک وضعیت انضمامی نمی‌توانند کنش‌ورزی‌های بامعنا و رادیکال داشته باشند. توگویی این جماعت اگزوتیک در یک تقدیر ابدی گرفتار آمده و امکان تغییر و رهایی ندارند.

به لحاظ اجرایی، صحنه چنان طراحی شده که یک فضای نئوار سینمایی را در ذهن تداعی کند. جابجا در گوشه و کنار صحنه، قفس پرنده تعبیه شده که پرنده‌ای در آن قرار دارد تا همه چیز رصد شود.

شیوه نورپردازی را می‌توان در سنت تئاترهایی دانست که فضاهای هراس‌آور فیلم‌های جنایی را یادآور می‌شوند. از این باب می‌توان گفت اجرا توانسته فضاسازی مناسبی برای وضعیت دیستوپیایی مد نظرش خلق کند. ریتم تند اجرا، مناسبات پر تنش مابین شخصیت‌ها را شدت بخشیده و مخاطبان را همراه خود می‌کند.

تکنیک مونتاژ و پیش بردن روایت‌هایی که به موازات یکدیگر جلو می‌روند الاویاتان را یک نمایش با مولفه‌های آشنای سینمایی کرده است. از دل این درهم‌آمیزی قصه‌های کوچک و خرده‌روایت‌ها، کارگردان این امکان را یافته جهان سیاه و بی‌امید نمایش خویش را اجرایی کند. سالن چهارسوی مجموعه تئاتر شهر برای این شکل اجرایی مناسب است و تجربه تماشا را به امری جانکاه و ملال‌انگیز بدل نمی‌کند.

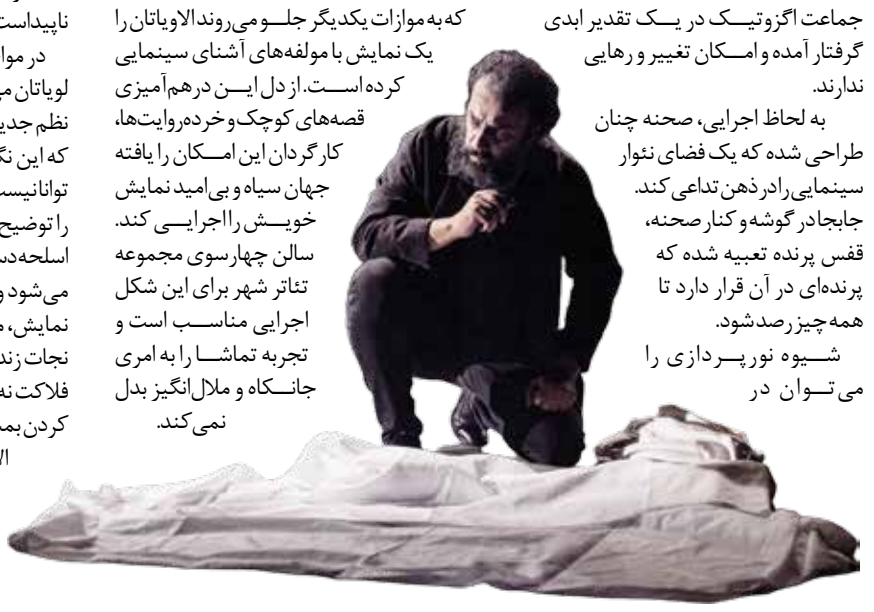

بازیگرانی چون حسین کشفی‌اصل، پیمان محسنی، مهران مرادی، کیمیا جواهری، انوش معظمی، محسن میرزاخانی، سجاد احمدلو، میکائیل ضیائی‌فرد، شیدا پهلوان، وحید کریمی و سینا فرجام در این نمایش همکاری کرده و به نسبت توانسته‌اند حضور صحنه‌ای کاراکترها را اجراپذیر کنند.

منطق بازنمایی واقعیت اجتماعی، در دستور کار است و نمایش الاویاتان را می‌توان جز آن دسته اجراهایی مفروض دانست که فرم متعارفی را بر صحنه اجرایی می‌کنند. شکلی از استاندارد بودن که بر مدار تعادل می‌چرخد. اما به نظر می‌آید این روزها فرم‌های نو و تجربه‌نشده‌ای مورد استقبال نسل تازه هنرمندان تئاتر قرار گرفته و شاید سیاست اجرایی میرعلی اکبری نسبت به این رویکردهای تازه، قدم زدن در مسیرهای گذشته باشد.

این کارگردان نشان داده که از نسل کارگردانانی است که به تدریج از دهه هفتاد کارشان را با تئاتر دانشگاهی شروع کرده و به تدریج به سوی تئاتر بدنه گرایش پیدا کرده‌اند. شاید بد نباشد که محمد میرعلی اکبری نیم‌نگاهی به تجربیات جدید اجرایی بیندازد و توان خویش را در نمایشنامه‌نویسی و کارگردانی از یک منظر تازه و مخاطره‌آمیز بیازماید.

در نهایت می‌توان گفت نمایش الاویاتان تجربه متوسطی برای کارگردانش است و یحتمل مخاطبان را ناراضی به خانه نمی‌فرستد. رویکرد دیستوپیایی به یک وضعیت و تلاش برای یافتن راه خروج از این گنداب، ایدئولوژیی است که اجرا به تماشا می‌گذارد. چایی که امیدها از دست رفته، عطوفت‌ها کم‌رنگ شده و اعتمادها ناپیداست.

در مواجهه با این زوال، شاید نیرویی چون لویاتان می‌بایست از دل دریاها بیرون آید و نظم جدیدی را برقرار کند. اما نکته اینجاست که این نگاه که به اسطوره آغشته است چندان توانا نیست که بتواند پیچیدگی دوران پسامدرن را توضیح و تفسیر و برای تغییرش اقدام کند. اسلحه‌دست گرفتن پسر جوان که «بچه» نامیده می‌شود و طعنه‌ای است به طفولیت قهرمان نمایش، میل دارد مسیری به سوی پاکسازی و نجات زندگی بگشاید. راه خلاص شدن از این فلاکت نه همزیستی و همبستگی که منفجر کردن بمب است.

الاویان با انفجار پایان می‌یابد و اختتامیه‌ای می‌شود بر عشق و اعتماد و وفاداری. در غیاب اخلاق خودآیین مدرن، دفع شر، گویا تنها با مواد منفجره ممکن خواهد بود.

پرده نقره‌ای

نگاهی به فیلم «مرد عینکی»، ساخته کریم امینی

وقتی سینما به «پول» و «بهرام افشاری» خلاصه می‌شود!

محمد تقی‌زاده

مرد عینکی پنجمین فیلم کریم امینی در مقام کارگردان است، اما نکته جالب اینجاست که تنها فیلم «فسیل» از این کارگردان، فیلم مطرح و به عنوان یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های سینمای ایران مشهور شد و دیگر آثار این فیلمساز از «دشمن زن» تا «گربه سیاه» و «شهر هرت» نتوانستند فیلم‌های قابل توجه و باکیفیتی باشند و حتی شهر هرت که با فاصله کم از فسیل اکران شد، نتوانست موفقیت فسیل را در فتح گیشه سینماها تکرار کند تا با فیلمسازی طرف باشیم که موفقیت‌های آن خیلی روی روال و کیفیت فیلم‌هایش نباشد و تضمین و استانداردی برای کیفیت و فروش فیلم‌هایش نتوان متصور شد. مرد عینکی از نگاه گونه سینمایی، در ژانر کمدی اکشن طبقه‌بندی می‌شود، اما در همین طبقه‌بندی نیز اما و اگرهایی وجود دارد چرا که در سینمای جهان این گونه نیست که فیلم‌های کمدی اکشن برخی لحظات خود را به سینمای اکشن و برخی مواقع را به کمدی اختصاص دهند و مرز و حد مشخصی در این تداخل گونه‌ها وجود ندارد این در حالی است که در مرد عینکی شاهد یک نیمه کمدی و درام هستیم و به یکباره فیلم، فضای اکشن پیدا می‌کند و موقعیت‌ها و کاراکترهایی که تا چندی قبل کمدی و طنز بودند به یکباره اکشن کار می‌شوند و فضا و ریتم کار از کمدی به اکشن بدل می‌شود!

مرد عینکی حساب ویژه‌ای روی حضور و بازی بهرام افشاری به‌عنوان بازیگر اصلی فیلم و ایفاگر نقش حلیم، کامبوزیا و داریوش باز کرده است. گویا افشاری در سال‌های اخیر جای رضا عطاران را در سینمای کمدی ایران گرفته و افول رضا عطاران در فیلم‌های کمدی اخیرش چون «ویلای ساحلی» سبب شده که دیگر نتوان روی حضور او به‌عنوان یک کمدین بفروش و تضمین‌کننده گیشه فیلم‌ها حساب صددرصدی باز کرد و این بهرام افشاری است که جای او را در فیلم‌های کمدی از قبیل فسیل و هفتاد سی گرفته است. (بازیگر دو فیلم اول از لیست پرفروش‌ترین فیلم‌های سینمای ایران با نام هفتاد سی و فسیل با ۳۶۰ و ۳۲۰ میلیارد تومان، بهرام افشاری است.)

الگوی مرد عینکی در بخش کمدی آن همان الگوی فیلم‌های کمدی این سال‌های سینمای ایران است و ردپای حمزه صالحی به‌عنوان نویسنده فیلم‌های کمدی پرفروش این سال‌ها از هفتاد سی و فسیل تا تگزاس ۳ به خوبی قابل ردیابی است (نویسنده سه فیلم از پنج فیلم اول پرفروش سینمای ایران حمزه صالحی است). شوخی‌های اینستاگرامی، تکه کلام‌های کلیشه‌ای و گاه جنسی مدل دیالوگ‌نویسی مرد عینکی است و خلاقیت چندانی در این نوع مراوده کلامی بازیگران وجود ندارد. از سوی دیگر، مدل کلی پیشبرد داستان یعنی اشتباهی گرفتن دو فرد شبیه به هم در فیلم‌های زیادی از قبیل مرد هزار چهره مهران مدیری نیز وجود داشته و از این نظر نیز شاهد مدل جدید و خلاقانه‌ای نیستیم تنها در یک سوم پایانی فیلم است که نوعی تغییر و به قولی رودست خوردن تماشاگر رخ می‌دهد و تماشاگری که تا به آن زمان تصور می‌کرد حلیم یا کامبوزیا اشتباهی دستگیر شده است، متوجه می‌شود که پیش‌بینی‌اش درست نبوده و حلیم یا کامبوزیا همان داریوش است و همه به نوعی در این مسیر به ظاهر پر فراز و فرود بازی او را خورده‌اند.

مرد عینکی به‌ظاهر مسیر پر فراز و فرودی دارد و عامریان و امینی در مقام تهیه‌کننده و کارگردان سعی کرده‌اند برای فروش بیشتر و همچنین تنوع و جذابیت فیلم، از لوکیشن‌های مختلفی از چین و آمریکا تا اقیانوس هند و دزدان دریایی سومالی بهره ببرند اما با وجود این همه تغییر لحن و فضا و لوکیشن، مرد عینکی همچنان توان و قدرت جذب مخاطب را ندارد چرا که بیش از آنکه به عمق و حس مخاطب اهمیت دهد به سطح و ظواهر پرداخته و قرار است در این فیلم، حفره‌ها و ضعف‌های فیلمنامه با ریتم تند و کارگردانی صحنه‌های پر زد و خورد و اکشن، بازی بهرام افشاری در نقش کمدی و اکشن و همچنین دیالوگ‌ها و تکه‌پراکنی‌های کلیشه‌ای جبران شود، اما همچنان که گفته شد در لحظات مختلفی از فیلم، نه تنها سرگرم‌کنندگی و باورپذیری رخ نمی‌دهد بلکه حس و فکر تماشاگر نیز برای همراهی داستان برانگیخته نمی‌شود.

مرد عینکی نمونه کامل ورود سرمایه‌داری و بورژوا به سینمای ایران است وقتی که قرار است لوکیشن و بازیگر و پول، جای هنر و خلاقیت و داستان‌گویی را بگیرد و این گونه است که فیلمی که حتی ابتدایی‌ترین قواعد فیلمنامه و دیالوگ‌نویسی را رعایت نمی‌کند قصد دارد بار دیگر ادعای سرگرم‌کنندگی و فروش را در سینمای کمدی‌زده این سال‌ها داشته باشد و در نبود آثار استاندارد طنز و همچنین نبود سرگرمی‌های دیگر در جامعه، بعید نیست باز هم افتخار جعلی چند صدمیلیاردی هفتاد سی و فسیل برای عوامل این فیلم‌ها با مرد عینکی تکرار شود.